

تاریخچه کمانچه

درویش رضا مظلمی

تاریخ دریافت مقاله: ۸۱/۲/۲۹

تاریخ پذیرش نهایی: ۸۱/۹/۹

چکیده:

کمانچه یکی از سازهایست که در مشرق زمین سابقه تاریخی مفصل دارد و به خصوص در کشورهای مشرق زمین به کار می رفته است. در ایران قبل از اسلام سازی به نام غژک نظیر آن اکنون در منطقه سیستان و بلوچستان فراوان است در سیستان غژک دارای سیم های فراوان می باشد حتی عده آنها در بعضی موارد به هفده عدد می رسد که در منطقه افغانستان هم دارای قدمت است، ساز کمانچه در منطقه لرستان هم دارای سابقه تاریخی است اصولاً در لرستان تمام مردمی که به موسیقی علاقمند هستند حتماً دارای کمانچه ای در خانه هستند و در آن منطقه کمانچه سازهای فراوانی وجود دارند که نوع کمانچه آنها به صورت بلندگو بوده و دهنه آن پوست و قسمت روبروی کاسه طنین پشت باز است و صدای آن خیلی با قدرت از آن خارج می گردد و معمولاً مطرب ها از بلندگو استفاده نمی کنند و حتی در فضای باز هم از آن استفاده نوازندگی می شود. فارابی در کتاب موسیقی کبیر از سازی گفتگو می کند که شبیه غژک است و دارای دو سیم بوده کمان برای به صدا در آوردن آن نداشته نام این ساز رباب است که شعرای متأخر فارابی از آن یاد کرده اند رباب، سازی است شبیه طنبور. بزرگ شکم و دسته کوتاه و صفحه رویی آن به جای استفاده از چوب که هم اکنون بر روی رباب های فعلی هست از پوست استفاده می کرده اند بیشتر از پوست آهو استفاده می کرده اند (برهان قاطع) کمانچه در لرستان دارای سه سیم بوده که سیم سوم به صورت مضائف به هم می پیچیدند و در قدیم از سیم های برق استفاده می شد. مسعود سعد سلمان در اشعارش از کمانچه یاد می کند و فرخی هم در مورد غژ یا غژک و نزهت اشعاری دارد.

هر روز یکی دولت و هر روز یکی غژ هر روز یکی نزهت و هر روز یکی تار

نزهت سازی است شبیه قانون به شکل مربع مستطیل که اختراع آن را به صفی الدین از موی نسبت می دهند رباب هم در قدیم سازی شبیه به کمانچه بوده و در کشورهای بلوک شرق، به طور فراوان با نام های گوناگون که تصویر آنها در مقاله موجود است یافت می شود به خصوص در چین، ژاپن، هندوستان، مالزی، یوگسلاوی، آنگولا، اندونزی، برمه، کنیا، نپال، اوگاندا و حتی در عرب و ترک در بیشتر ارکسترهای آنها موجود است و از آنها استفاده می شود.

واژه های کلیدی:

غژ، غژک، راواسترون، ذوات الاوتار، ذوات الفتح، کمان، کمانچه کش.

مقدمه

سیری در ساز (کمانچه)

۱۲۶۹ موسسه انتشارات مشعل کمانچه را چنین توصیف می‌کند که این ساز از سازهای قدیمی ایران است که از قرن‌های اولیه هجری نام آن در برخی از آثار آمده است. برخی شعرا مانند مسعود سعد (قرن هشتم هجری) در اشعار خود از این ساز، نام آورده‌اند در نقاشی‌های تالار چهل ستون اصفهان (دوره صفوی) نوازنده کمانچه مشاهده می‌شود و مبین آن است که کمانچه در آن دوره معمول بوده. کمانچه در آغاز سه سیم (با تار ابریشم) داشته است و از دوره قاجار سیم چهارم به تقلید ویلن به آن افزوده‌اند صدای کمانچه تودماغی است و آن را، با کمان یا کمانه می‌نوازند. کاسه آن را در قدیم با صدف کاری و خاتم کاری زینت می‌دادند و روی کاسه را پوست می‌کشیدند که خرک روی آن قرار می‌گیرد. کمان یا آرشه که از چوبی باریک ساخته می‌شد دارای تارهای از موی اسب است. چوب کاسه را معمولاً از چوب گردو و افرا می‌ساختند و اکنون از چوب توت می‌سازند قطعات چوب را با مهارت بدون فاصله به هم وصل می‌کردند از دوره مظفرالدین شاه که نواختن ویلن در ایران رواج یافت، کمانچه به تدریج مهجور شد. موسیقی‌دان‌های قدیم ایران در کتاب‌های خود سازها را دو رسته کرده‌اند یکی ذوات‌الافتح یا آلات موسیقی و زهی، دیگری ذوات‌الفتح یا آلات بادی. ذوات‌الافتح و ذوات‌الفتح بود یکی آنکه مثل چنگ و قانون و سنتور (چند سیم برای یک صدا) برای هر صدایی یک سیم روی ساز بسته می‌شده و در روی آن رشته‌ها انگشت نمی‌گذارند. نوع دوم آنهایی که روی رشته‌ها که هر کدام از آنها را وتر می‌نامیدند و به انگشت‌های دست چپ نوازنده تکیه می‌کرده‌اند مانند بریط (عود) و طنبور و رباب ساز اخیر که اول دو سیم داشته بعدها یک سیم دیگر به آن اضافه شده و با کمان به صدا در آمده همان است که ما امروز کمانچه می‌گوییم.

کمانچه سازی ملی و اصیل و از سازهاییست که دارای سابقه دیرینه در مشرق زمین می‌باشد و در صفحات بلوچستان سازی موجود است به نام غیچک که می‌توان آن را به یک ساز کششی قبل از اسلام بنام غرک یا غر نسبت داد سازيست شبیه کمانچه و با آرشه‌ای که از چند تار مو بر یک کمانی از چوب متصل و دو سر چوب را به هم مربوط می‌سازد ساخته شده سیم‌های آن بیش از کمانچه است و تا حدود هفده (۱۷) سیم هم می‌رسد.

یکی از موسیقی‌دانان فرانسوی به نام آلبرت لاوین باک در یکی از کتاب‌های خود به نام موسیقی و موسیقی‌دان‌ها که مطالعه آن برای موسیقی‌دانان ضروری است قدیمی‌ترین سازی را که با آرشه نواخته می‌شود راواسترون ذکر کرده که این ساز آن طوری که وی می‌گوید در چین بوده و مورد استفاده قرار می‌گرفته است.

البته همان طوری که که فارابی در کتاب موسیقی کبیر از سازی گفتگو می‌کند که شبیه به غرک است و دارای دو سیم بوده و کمان برای به صدا درآوردن نداشته. نام این ساز رباب است که بعدها شاعران از آن یاد کرده‌اند. رباب سازی بوده شبیه به طنبور بزرگ شکم و کوتاه دسته و بر روی آن که همان صفحه رو است به جای استفاده از چوب که هم اکنون بر روی رباب‌های فعلی است پوست آهو به کار می‌بردند (برهان قاطع) و به همین دلیل چون توصیفاتی که در مورد کمانچه در اوایل می‌شود و در اصل رباب بوده ساسان سپنتا که از محققان می‌باشد در کتاب چشم انداز موسیقی چاپ اول تاریخ انتشار

کمانچه از سازهای ذوات‌الاولاتار و از خانواده سازهای زهی کمانی است که از سه قسمت کاسه و دسته و پایه تشکیل شده، کاسه یا شکم که در ضمن جعبه مولد صدای ساز نیز می‌باشد کالاسه یکی از سازهای بسیار قدیمی است که در قدیم یک وتر داشت و امروز چهار وتر دارد معرب آن کمنچه است، چغانه. طنبور از سازهایی است که در کشورهای عربی کمنچه نامیده می‌شود دارای اسامی مختلفی در اکثر کشورهای مشرق می‌باشد که نمونه‌های متعدد آن در همین مقاله با تصویر مطرح گردیده است. می‌گویند اولین بار نام این ساز توسط یک نویسنده عرب به نام ابن الفقیه عنوان شده که می‌گویند این ساز توسط قبطی‌های مصر و مردم اسکاتلند استفاده می‌شده، بطور کلی این ساز در قرن سیزدهم تا پانزدهم در مصر بسیار رایج بوده و در یکی از کتاب‌های مصری قرن پانزدهم هویت این ساز را به ایرانی بودنش نسبت داده‌اند. اولیا کلبی می‌گوید کمانچه به وسیله فایابی اختراع شده چند نوع کمانچه هم در ترکیه هست که تصویر آنها در مقاله موجود است. ادوارد براون اظهار داشته در قرن هفدهم این ساز دارای سه سیم بوده و وجود داشته است. کمانچه در دوره صفویه یکی از معتبرترین سازهای ایرانی به شمار می‌رفته است در اروپا این ساز را جزء اجداد اولیه ویلن می‌شناسند کمانچه را در صورتی که نوازنده ماهر اجرا نماید قادر به اجرای تمام فواصل در محدوده وسعت صدای اجرائی خود است و در این محدوده می‌تواند افه‌های صوتی مختلفی را از قبیل اکوردهای حتی چهارصدائی - پیتزیکاتو - گلسیاندو - تموله - فلاژوله و به طور کلی تمام تکنیک‌های ویلن را اجرا نماید این ساز از سال ۱۳۵۲ شروع به رشد در بین جوانان نمود زیرا قبل از تاریخ مذکور بسیار مهجور و مورد کم لطفی اهل هنر قرار گرفته بود تنها استاد صاحب نام حسین خان اسماعیل زاده و بعد از او حسین خان یا

حقی و سیدعلی اصغر بهاری قبل از سال ۱۳۵۰ اساتید شناخته شده کمانچه بودند.
در منطقه لرستان این ساز قدمت تاریخی دارد و هر کسی که به نحوی به هنر موسیقی علاقمند است یک کمانچه حتماً در خانه دارد. لرها نوازنده کمانچه را کمانچه‌کش می‌گویند در صورتی که در بیشتر مناطق ایران کمانچه زهی می‌گویند. در روی کاسه آن پوستی زخیم‌تر از پوست تار کشیده‌اند و خرک روی پوست قرار دارد در اثر رطوبت هوای آن تغییر می‌کند. مسعود سعد سلمان در یکی از اشعارش از کمانچه نام برده است.

ز نزهت و طرب و غژ و شادکامی و لهو

ز چنگ و بربط و نای و کمانچه و بگما

نزهت بنا به گفته قدیمی‌ها یکی از آلات کثیرالاولاتار

است مانند قانون و سنتور که هر سیمی دارای صدای مخصوص است. فرخی هم در مورد غژ و نزهت شعری دارد.

هر روز یکی دولت و هر روز یکی غژ

هر روز یکی نزهت و هر روز یکی تا

نزهت را صفی‌الدین ارموی اختراع نمود

(وفات ۶۹۴) سازی بوده شبیه به قانون که معمولاً به شکل مربع

مستطیل می‌باشد در مورد رباب ایرانی که به کشورهای

خارجی رفته و به انواع رباب‌های مختلف به خصوص در مالزی

- چین - آنگولا - هندوستان - ژاپن - اندونزی - عرب - ترک

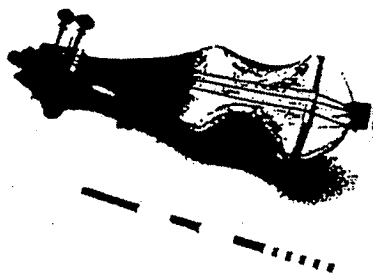
یوگسلاوی - بولگاریا - برمه - نپال - کنیا و اوگاندا در آمده

مفصلاً در مورد آنها توضیحات مفصل آورده‌ام.

کمانچه کش‌های معروف از دوره صفویه

بوده و شاگردانش ویلن حسین خان اسماعیل زاده و ابوالحسن صبا - رضا ویلونی. رکن الدین خان و شهباز برمکی پسر ناصر همایون و از شاگردان حسن خان یاحقی - علی اضغر بهاری و پرویز یاحقی و درویش رضا بوده‌اند، باقرخان این ساز را به آسانی به آرشه‌های تند می‌نواخت علی‌رضا خان چنگی شاگرد جوادخان قزوینی بود و به همراه جوادخان به دربار مظفرالدین شاه راه یافت و جزء هیئت نوازندگان مخصوص شد. جوادخان مرد متدین و باسوادی بود در نیمه‌های شب آواز حجاز می‌خواند و کمانچه می‌نواخت و با خدا رازونیا می‌کرد او همیشه به شاگردانش می‌گفت هرگز نگویند خوب ساز می‌زنم. بنوازید شنوندگان قضاوت خواهند کرد.

سیکارا :

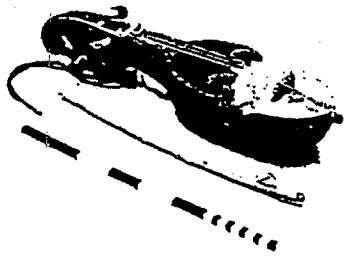


این ساز در شمال هندوستان در منطقه نیال و بنگلادش و پاکستان مورد استفاده قرار می‌گیرد. بدنه آن از چوب با پوست گوسفند روی بخش جلویی آن ساخته شده که طول آن ۶۶/۵ سانتی متر است نوازنده چهار زانو نشسته و آن را روی زانوهایش در دست می‌گیرد.

انگشتان دست راست آرشه را، که به صورت کمان است کم‌وزیاد نموده و آن را روی سیم‌هایی کشند و ساز به صدا درمی‌آید موی آرشه از موی دم اسب تهیه می‌شود. این ساز یک ابزار موسیقی مذهبی با مردمی تلقی می‌شود.

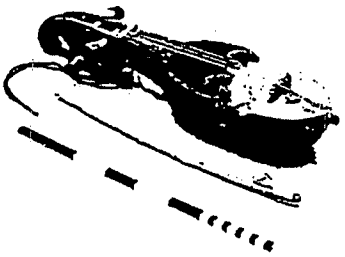
میرزا محمد کمانچه‌ای و استاد معصوم کمانچه‌ای بود - معروف ترین کمانچه‌کش دوره ناصری خوشنواز بود که کنت دوگوتیبوی فرانسوی از او در کتاب خود موسوم به سه سال در ایران از او نام برده است بعد از خوشنواز معروف ترین کمانچه‌کش آقا مطلب پدر صادق خان است وی معاصر علی اکبر و حسن سنتورخان بوده است.

نوازنده دیگر حسن خان کمانچه‌کش می باشد از کمانچه‌کش‌های معروف اسماعیل خان و برادرش قلی خان می‌باشند. کمانچه کش معروف دیگر به نام موسی کاشی معروف بود وی کلیمی الاصل و در کاشان زندگی می‌کرده و چون آواز خوش داشته ظل‌السلطان در اصفهان او را در دستگاه خود نگهداری نمود کمانچه او شش سیم داشته سیم اول و دوم مضائف بوده البته سیم چهارم هم در زمان از معمول بوده است و بعد میرزا علی‌جان گنده و پسرانش رضا و اکبر و حسن به شیراز رفتند و نزد قوام‌الملک شیرازی مقیم شدند مشهدی‌حسن و میرزا رحیم که هم تعزیه خوان بودند و هم کمانچه کش. میرزا غلامحسین پدر سماع حضور که کمانچه مخصوص اختراع کرد. صفدر خان هم کمانچه خوب می‌نواخته. جواد خان قزوینی هم کمانچه می‌نواخته و هم تعزیه‌خوان بوده و آواز خوش داشته و ضرب هم می‌زده. حسین‌خان نوازنده چیره‌دست دوره اخیر بود و فرزندش اسماعیل خان کمانچه کش شاگرد عمومی خود قلی خان بود و جزء مطرب‌های سرپولک تهران بود چون در نواختن کمانچه مهارت داشت با هنرمندان انجمن اخوت به تشویق ظهیرالدوله که با وی آشنا شد در سلک اخوان صفائی در آمد و بنا شد مطربی را کنار بگذارد و کلاس کمانچه را دایر نمود سولیس کونسرت‌های درویش‌خان و عارف شد می‌گویند مهارت وی در کمانچه به اندازه استادی و تبحر میرزا حسین‌قلی در تار بوده‌است اکثر کسانی که ویلن آموختند از محضر وی استفاده فراوان بردند اما شاگرد اصلی او در کمانچه حسین‌خان یاحقی



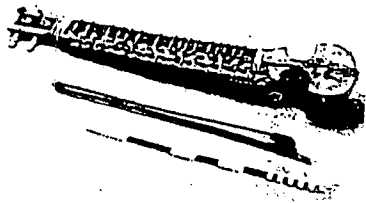
سازینگی :

این ساز در نپال وجود دارد بدنه از چوب یا پوست بز در بخش جلوی آن بطول $51/2$ سانتی متر می باشد پوست حیوان معمولاً روی قسمت شکمی پایین کشیده می شود. و به صورت عمودی روی زانوی چپ گذاشته می شود و با آرشه کمانه مانند نواخته می شود - موسیقی دانان خیابانی یا دوره گرد آن را بیشتر در آوازهای گروهی و داستان های روایتی به کار می برند.



سارانگی :

این ساز در شمال هندوستان موجود است بدنه : چوبی، با پوست بز در جلو بطول $67/2$ سانتی متر دارای ۲۵ سیم که ۲۴ عدد آنها (غیر فولادی) و ۱۱ عدد دیگر فولادی است که در روی پل های اضافی باعث ایجاد وزوز می شوند و نوازنده به صورت چهارزانو نشسته و این وسیله را بین پاهایش قرار می دهد. از آن برای همراهی با خواننده و رقص استفاده می شود.

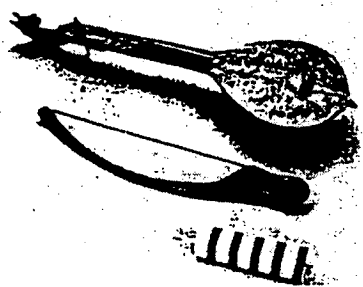


اسراج :

ساز مورد نظر در شرق بنگلادش بوده و بدنه چوبی یا پوست بز در بخش جلوئی و طول آن هم $92/5$ سانتی متر می باشد. دارای ۱۹ پرده برنجی می باشد که به دور گردن آن بسته شده اند.

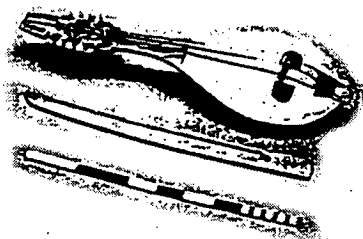
گوسل :

این ساز که در مناطق یوگسلاوی و مونتنگرو و صربستان و کرواسی موجود می باشد دارای بدنه چوبی و یک پوست بز روی آن کاسه طنین کشیده شده طول آن ۸۵ / ۹ سانتی متر دارای آرشه کمانی شکل است معمولاً آنرا بین زانوها قرار می دهند دسته آن به وسیله انگشتان دست چپ محل اجرای آهنگ است در نمایش های روایتی استفاده می شود.



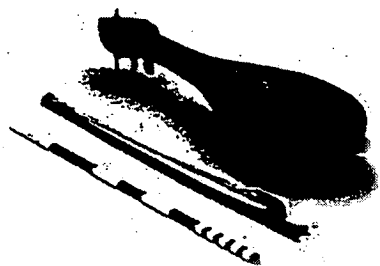
گادولگا :

یک ساز کششی است که در بلژیک وجود دارد بدنه چوبی طول ۷۰ سانتی متر به صورت عمودی روی زانو قرار می گیرد به جای نوک انگشتان با نوک ناخن ها روی سیم به صدا در می آید و از آن برای تکنوازی استفاده می شود.



گادولگا :

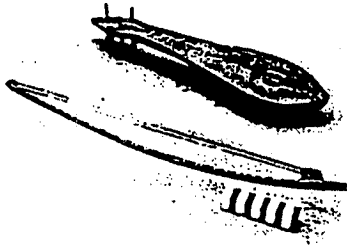
یک ساز کششی در بلژیک مورد استفاده می شود بدنه چوبی بطول ۵۶ / ۸ سانتی متر.



تایاو :

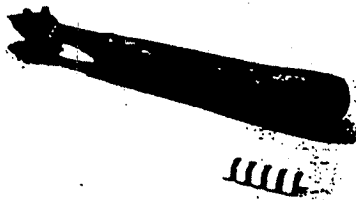
این ساز در برمه مورد استفاده است بدنه چوبی به طول ۸۳ سانتی متر آرشه آن کمانی و موی آن از موی دم اسب است و شکل آن بیشتر به ویلن نزدیک تر است شکل پرده ای آن براساس تصویری است که طبق افسانه ای شبیه به خدایانی است که از ایمان بودا نگهداری می نمایند.





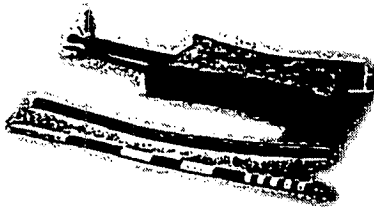
کمانچه :

یک نوع ساز کششی که در ترکیه مورد استفاده است بدنه چوبی با چهار تا سوراخ صوتی با طول ۴۲ سانتی متری. ساز مورد نظر دارای گردن یا دسته کوتاه و یک صفحه چوبی در روی آن قرار دارد این ساز را روی زانو قرار می دهند چون نوازنده باید در نوازندگی آرشه را با انگشت دست راست تنظیم کند. در آوازهای گروهی از این ساز استفاده می شود.



کاردتیز کمانچه :

و این هم یک نوع کمانچه دیگر در ترکیه بدنه آن از چوب درخت سطح جلویی آن از چوب کاج با ۲ سوراخ صوتی ۵۱/۹ سانتی متر دارای ۳ سیم فولادی در موقع نوازندگی روی زانو قرار می دهید این ساز بیشتر در مناطق ساحلی دریای سیاه برای همراهی با آواز یا رقص می باشد.



رابابا :

ساز مخصوص کشورهای عرب دارای بدنه ای چوبی با پوست گوسفند که بر روی صفحه جلویی آن کشیده شده، طول این ساز ۶۳ سانتی متر.

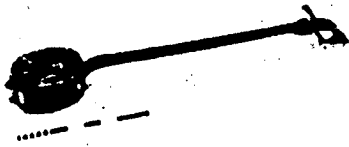


سنگسیان :

ساز مخصوص کشور چین، بدنه آن چوبی و یک قطعه پوست ماربر روی صفحه جلویی کشیده شده طول آن ۱۱۹/۸ سانتی متر تارهای آن ۳ عدد بوده از جنس ابریشم می باشد.

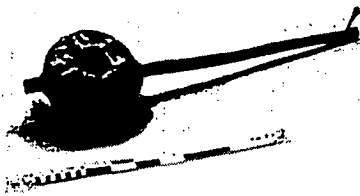
کوتان :

این ساز در ژاپن در شهر کاکوشیا مورد استفاده است دارای ۲ عدد تار ابریشم به جای سیم‌ها می‌باشد.



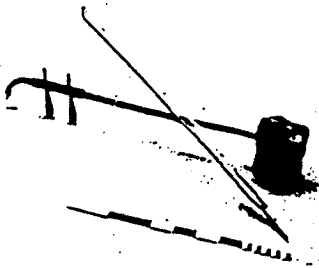
اکتار :

این ساز در هندوستان می‌باشد. بدنه آن از چوب گردو و طول آن ۸۵ سانتی متر است. نخ‌های مورد استفاده آن ۲ عدد بوده که بعضی موارد یک تک نخ است که به جای سیم مورد استفاده است و مخصوص گدایان ساندا هو می‌باشد.



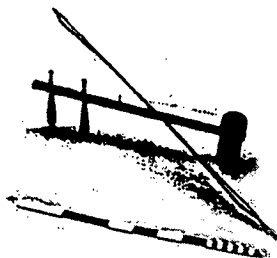
ارهو :

این هم یکی از سازهای کششی است از نوع کمانچه که در چین در منطقه‌های مورد استفاده است رشته سیم‌ها فولادی بدنه چوبی با پوست مار که در روی صفحه جلو آن کشیده شده است دارای یک آرشه از موی اسب که بیشتر این ساز به نام هوکین یا نانهو خوانده می‌شود این ابزار در روی زانوی چپ قرار گرفته و به وسیله همان آرشه که از چوب و موی است به صدا در می‌آید. بخش پشت کاسه شبکه‌ای بوده و در تکنوازی و بعضی اوقات با همراهی تئاتر مورد استفاده قرار می‌گیرد.



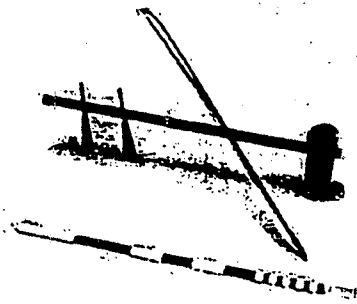
چینگو :

این ساز هم در چین در منطقه هان مورد استفاده قرار می‌گیرد روی کاسه طنین از پوست مار پوشیده شده است طول آن ۴۸ سانتی متر است که دارای دوسیم فولادی می‌باشد نوازنده این ابزار را در دامانش روی پای چپ نگهداشته و با کمان یا (آرشه) که موی چند رشته است به صدا در می‌آورد و اصولاً در اپراها از آن استفاده می‌شود.



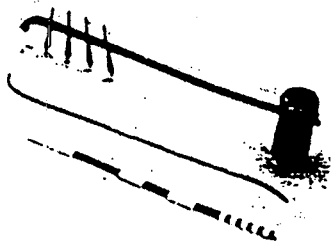
کوکین :

این سازها در ژاپن مورد استفاده است بدنه آن از یک نوع چوب به نام بمبو و در بخش جلویی آن پوست مار با طول ۴۴/۴ سانتی متر و سیم‌های مورد استفاده از ۲ عدد ابریشم دارای یک آرشه در موقع نواختن آن را روی زانوی چپ قرار داده و با کمان و آرشه نواخته می‌شود و این ابزار گاهی کوچک تر از نوع آن در چین که بنام جینگهو در اپرا مورد استفاده است.



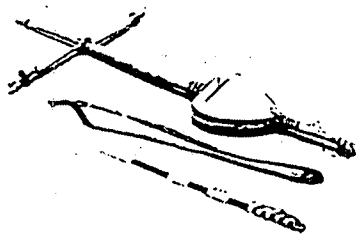
سیپو :

یک ساز چینی در مغولستان در شهر هویای موجود است، بدنه چوبی با پوست مار دو قسمت روی کاسه آن با طول ۷/۲ سانتی متر و یک کمان به نام آرشه دارد در وقت نواختن آن را روی زانوی چپ قرار می‌دهند این با عنوان یکی از آلات اجرایی برای تکنوازی یا شیوه‌های روایتی مغولستانی به کار می‌گیرند.



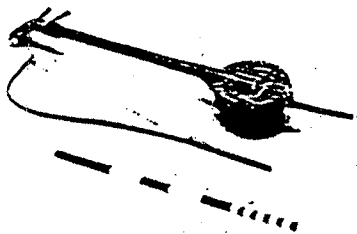
رباب - اندونزی :

این ساز در سوندا اندونزی وجود دارد و مانند رباب جاوه از یک تیغه بوفالو در روی صفحه جلو آن کشیده شده طول کل آن ۱۱۲/۶ سانتی متر می‌باشد دارای یک آرشه شبیه آرشه کمانچه است.



کوچو :

این ساز در اوکیناوا ژاپن مورد استفاده است بدنه آن چوب روی کاسه طنین پوست مار کشیده شده طول آن ۶۶/۸ سانتی متر است دارای آرشه از مویی ریسمان مانند در موسیقی کلاسیک اوکیناوا مورد استفاده است.



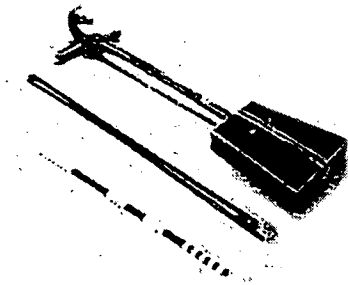
کوکیو :

ساز موردنظر در ژاپن بوده دارای بدنه از چوب روی صفحه جلو آن پوست گربه کشیده شده و طول آن ۶۵ سانتی متر است این ساز به همراهی یک کمانچه به نام کمانچه مدرسه فوجی که در ابتدا در گروه هم‌نوازان یا کر موسیقی را ماداریو استفاده می‌شود.



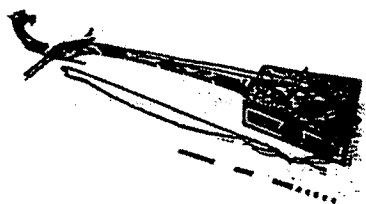
مورین اکسور :

این ساز در چین (مغولستان مرکزی) دارای بدنه چوبی طول ۱۱۵/۵ سانتی متر نخ‌های آرشه از موی اسب است که یک سوراخ صوتی در سمت راست آن دیده می‌شود نوازنده از این ابزار با قرار دادن آن در روی زانوها در حالی که تاحدودی آن را متمایل به سمت چپ منحرف می‌نماید اصولاً این ساز را در گروه آواز به‌کار می‌گیرند.



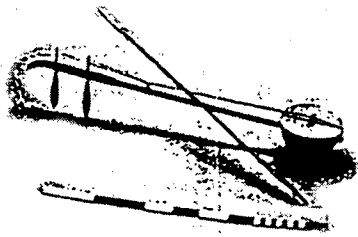
مورین اکسور :

در مغولستان چین مورد استفاده است بدنه آن چوبی با پوست مار در بخش جلویی آن و طول ۱۰۱ سانتی متر و دارای آرشه‌ای شبیه آرشه کمانچه از پوست مار پوشیده شده و در طرف چپ بدنه یک سوراخ صوتی وجود دارد بالای آن شبیه به کله اسب است دارای فیبرهای موازی و بافته نشده می‌باشد.



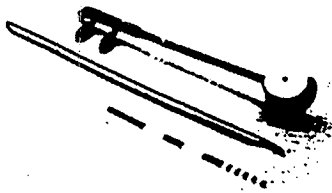
یوهو :

سازی کششی از خانواده کمانچه در شهر هان در جنوب چین. از چوب نارگیل با طول ۷۰/۴ سانتی متر با آرشه که با دست راست کنترل می‌شود نوازنده در موقع نواختن آن روی زانوی چپ در روی صندلی می‌نشیند و می‌نوازد کیفیت صوتی بسیار آراهم‌آهسته‌ای دارد و اصولاً در آوازهای گروهی و داستان‌ها استفاده می‌شود.



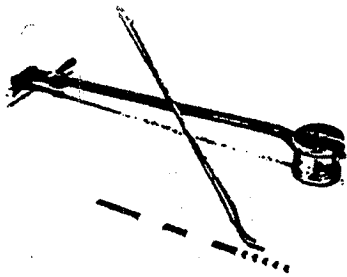
یانهو :

این ساز مانند یوهو در شهر هان در جنوب چین با بدنه از چوب نارگیل با طول ۷۰/۵ سانتی متر رشته سیم های آن فولادی است با خصوصیات اجرایی یوهو با این تفاوت که در شیوه های دراماتیک مورد استفاده است.



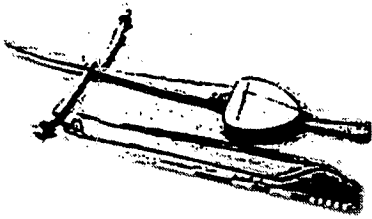
فیجین :

در شهر هان در جنوب چین - با طول ۸۶/۳ سانتی متر سیستم های آن فولادی بوده نوازنده در موقع اجرا چهار زانو نشسته و ابزار را به صورت عمودی نگه داشته روی زانوی چپ قرار می دهد و آرشن آن بسیار وسیع و با صدای بسیار پر قدرت بیشتر بصورت تک نوازی و تقلید صدای انسان و حیوانات نقش مهمی دارد.



رباب :

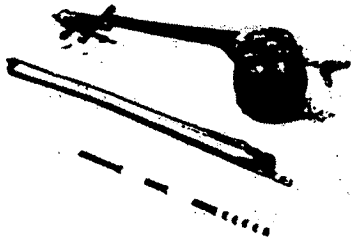
این ساز در جاوه - اندونزی مورد استفاده قرار می گیرد دارای بدنه چوبی با پوست تیغه بوفالوی آبی در بخش جلویی و طول ۱۱۳/۷ سانتی متر - سوراخ های صوتی آن ۵ عدد در قسمت پشت آن قرار دارد.



پل :

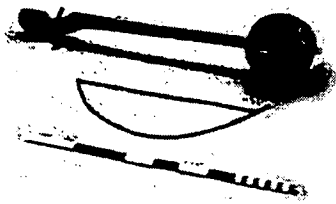
ساز کششی دارای کمان (آرشه) می باشد به صورت چهارزانو نشسته و ابزار را به صورت عمودی در جلوی خود قرار می دهند. برای کاهش رزنانس های صدا برگ نور (اخیراً) دستمال کاغذ بین سیم گیر و خرک قرار می دهند این ساز در آوازهای متفاوت و رقص مورد استفاده است.

کنکا :



مورد استفاده این ساز در تبت چین دارای بدنه چوبی و روی صفحه جلویی آن پوست مار کشیده شده طول ۷۷ سانتی متر نوازنده روی صندلی نشسته و این وسیله را با کمک یک وسیله پایه که برای ثابت نگه داشتن در بالای زانو به کار می برد استفاده آن در شیوه های همنازی در گروه کررواج دارد. در طرف چپ و راست کاسه سوراخ های رزونانسی وجود دارد.

روگوی :



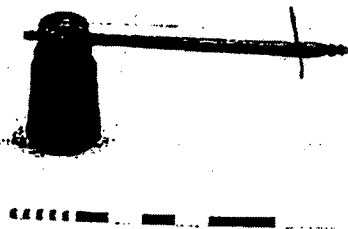
این ساز در ساراواک مالزی وجود دارد بدنه آن نارگیل و پوست حیوان روی آن کشیده شده است. طول آن ۶۸/۵ سانتی متر بدنه نارگیل توخالی است و دور آن با چوب درخت نخل تقسیم بندی شده است.

کینگری :



ساز مورد نظر در هندوستان می باشد. بدنه آن از یک نوع چوب به نام رسی Resi و گردن آن از چوب دیگری به نام بمبو - طول آن ۳۹/۷ سانتی متر - یک ساز زهی قوی است دارای آرشه ای شبیه آرشه کمانچه ایرانی است.

اروتا :



این ساز در کنیا وجود دارد بدنه چوبی و پوست در بخش جلوی آن قرار دارد و طول ۵۶/۸ سانتی متر می باشد. پشت آن باز می باشد منظور شبیه کمانچه های لری است.

نتیجه گیری

ساز کمانچه دارای قدمت تاریخی در شرق آسیای شرقی باشد. این ساز با توجه به اینکه فضای محل اجرای جراحی بایست کاملاً در سکوت مطلق و عازفانه باشد می تواند حکایت از قدمت تاریخی خود کند. ویلن ساز کششی اروپا محسوب می شود که می توان با توجه به قدمت تاریخی کمانچه چنان استنتاج نمود که ساختار ظاهری ویلن از روی کمانچه درست شده است ولی نحوه اجرای کمانچه بسیار مشکل تر است. یعنی باید برای اجرای قطعات جریبی در چهار سیم به طور چرخش مهارت داشت. برخلاف ویلن که کاملاً به وسیله چانه کنترل می شود و نقش حرکت آرشه به وسیله دست راست بر روی سیمها بسیار مهم است. در کمانچه که به وسیله چانه کنترل نمی شود دست چپ هم نقش چرخش را دارد و هم اجرای قطعات. به همین جهت او طلبان یادگیری کمانچه بسیار کم هستند. این ساز انواع مختلف دارد که در صفحات منتشره در این مقاله عکس همه آنها در هر کشور به طور مشخص نشان داده شده است که همه دارای یکوجه اشتراک هستند که همان چهار سیم بودن و داشتن آرشه است.

منابع و مأخذ

۱. سرگذشت موسیقی ایرانی، اثر روح اله خالقی، چاپ دوم، چاپخانه افست مروی
۲. کتاب تحقیقی در موسیقی مشرق زمین. پرفسور رگن ایچی